

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

#### بیان ثمره در تجری (نقد کلام مرحوم عراقی توسط شهید صدر)

در بحث ثمره اختلاف در تجری گفتیم دو نفر بحث کرده اند؛ محقق عراقی و مرحوم آقا مصطفی. کلام محقق عراقی را عمدتاً متعرض نشده اند ولی برخی معاصرین مثل مرحوم روحانی در منتقى الاصول قبول کرده اند منتهی مرحوم صدر اشکال دارد.

#### اشکال مرحوم صدر بر کلام مرحوم عراقی

ایشان اولاً توضیحی می دهند که مرحوم عراقی به این دلیل ثمره را فقط در واجبات تعبدی بیان کرده اند که در واجبات توصلی نمی توان ثمره را تصور کرد چون در واجبات توصلی می گویند: همین که ملاک استیفاء شود کفایت می کند و انگیزه روانی فاعل در استیفاء، مورد نظر قانونگذار نیست بر خلاف عبادیات.

حال در مانحن فیه در توصلیات فعل متجری به را بگوئیم حرام یا غیر حرام است تأثیری ندارد ولی در عبادات انگیزه روانی می خواهد؛ به این بیان که اگر فعل متجری به حرام باشد نمی تواند مقرب باشد ولی اگر حلال باشد می تواند مقرب باشد.

البته مرحوم صدر می فرماید: چون در توصلیات معیار استیفاء ملاک است ولی قبح و حرمت فعل متجری به یا عدم قبح و عدم حرمتش تأثیر در سقوط واجب ندارد؛ بعد می فرماید: البته ممکن است بگوئیم قائل شدن به قبح متجری به در توصلیات موجب شود که ما اطمینان نکنیم فعل واجد ملاک بوده است ولی اگر قائل به حرمت فعل متجری به نشویم قطعاً فعل متجری به واجد ملاک بوده است و در واقع می خواهند ثمره را در توصلیات هم زنده کنند.

توضیح: فرض کنید یک واجب توصلی داریم مثل اکرام فاسق که عنوان میهمان را دارد. اگر گفتیم فعل متجری به قبیح و حرام نیست، اکرم الفساق تمام افراد از جمله همین فرد متجری به را شامل می شود یعنی کسی که فکر می کرده اکرام فاسق حرام است به علت این که این فعل واقعا اکرام می باشد تحت شمولیت دلیل واقع می شود. لذا اگر بعد متوجه شد اکرام فاسق حرام نبوده است امر ساقط می شود چون می گوید: من مصداق واجب را و لو به اعتقاد حرام انجام داده ام و مصداق واجب را هر کسی انجام دهد واجد ملاک است و قهراً امر ساقط می شود. ولی اگر گفتیم فعل متجری به حرام است، امر به اکرم الفساق این فرد را نمی گیرد چون هیچ وقت امر به واجب، فعل حرام را نمی گیرد. درست است امر توصلی قصد قربت نمی خواهد ولی قرار نیست امر توصلی فرد حرام را بگیرد بلکه فرد محرم از نطاق حکم مولی خارج است. حال اگر کسی گفت لباس را شست و شو بد، اگر با آب غصبی هم شسته شود لباس شسته می شود ولی اگر گفته شود لباس را تطهیر کن و نماز بخوان، در این جا فرد حرام را نمی گیرد چون فرد حرام از نطاق امر مولی خارج است. لذا اگر کسی با آب غصبی لباس را شست، ما یقین نداریم این فعل ملاک را داشته باشد چون یقین ما به این که این فعل ملاک را دارد از شمول امر می آید و امر این جا را شامل نمی شود.

لذا ایشان می گوید اگر این راه را برویم ممکن است بگوئیم در واجبات توصلی هم بین این که بگوئیم فعل متجری به حرام است یا حرام نیست ثمره ظاهر شود.

ولی در نهایت مرحوم صدر به مرحوم عراقی می فرماید: به نظر من در عبادات ثمره وجود ندارد چون در یک عمل عبادی باید خود فعل صالح باشد و فاعل هم انگیزه روانی مقدس داشته باشد. (قصد قربت) به این معنا که بگوید مولی این فعل را بر ترکش ترجیح داده است و چون مولی بر ترکش ترجیح داده است من انجام می دهم.

در عبادت دو چیز لازم است 1. انگیزه روانی 2. فعل، لذا به مرحوم عراقی می گوید: شما گفتید در عبادات اگر قائل به قبح متجری به شدید، عبادت باطل است و اگر قائل به قبح متجری به نشدید عبادت صحیح است در حالی که شما چه قائل به قبح متجری به شوید یا نشوید می توانید فعل را درست کنید ولی انگیزه که درست نمی شود. متجری انگیزه روانی مقدس و قصد قربت ندارد؛ لذا اشکال می کنند که تصویر این ثمره ی مرحوم عراقی در عبادت درست نیست.

#### **نقد کلام مرحوم صدر**

مرحوم عراقی ورودشان به مطلب در مورد یک متجری خاص بود؛ به این بیان که اولاً متجری را بعنوان شخصی که یقین به خلاف دارد فرض نکردند بلکه متجری ای را فرض کردند که اماره بر خلاف دارد؛ مجتهد می گوید نباید نماز بخوانی ولی این زن از سر رجاء مطلوبیت - نه لجاجت - نماز می خواند، در این جا نمی توان به مرحوم عراقی اشکال کرد که قصد قربت نمی آید؛ لذا مرحوم صدر ورود مرحوم عراقی را دقت نمی کرده اند.

به نظر ما ثمره تجری فراتر از این ها است. علماء خواسته اند تجری را فقط در فقه و اصول جاری کنند در حالی که بحث تجری و جرم بودن یا نبودن تجری در حقوق موضوعه خیلی اثر دارد و یک بحث جهانی و حقوقی است و نیاز نیست در این گونه جاها ثمره درست کنیم.

**الحمد لله رب العالمین**